

خطی می دانند، به درستی مکتبی که او در این زمینه بنیاد گذاشت رهگشایی پژوهشگران بسیاری شد که در این وادی قدم برداشته و آثاری در خور به یادگار گذاشته اند.

قزوینی با توشه ای که از تربیت طلبگی و تحصیلات قدیمی خود که همانا احاطه فراوان بر ادب عربی و صرف و نحوه و علوم قدیمی از جمله فقه و رجال و فلسفه بود، به اروپا رفت و ضمن فراگیری زبان های فرانسه و انگلیسی و آلمانی و مرآده با خاورشناسان اروپایی از جمله پروفیسور ادوارد براون، باروش و متد اروپایی جهت تحقیقات ادبی آشنا شد و با استعداد فطری و نبوغ ذاتی که در خود داشت توانست همطرز استادان خارجی و حتی برتر از آنان جلوه گری نماید.

این مطلب، سخن گزافی نیست، چراکه در آثار وی یادداشت ها و نامه های قزوینی انتقادات زیادی از قزوینی نسبت به خاورشناسان به چشم می خورد که نشانه عمق اطلاعات و نگرش درست او می باشد.

شیوه او در حقیقت حاصل تلفیق «معارف و علوم سنتی» با «روش تحقیق مدرن اروپایی» بود. او تحقیقات تاریخی و ادبی ایران را بر پایه «علمی» بنا نهاد و خود نیز بهترین نمونه های این گونه تحقیق را به جامعه علمی عرضه داشت.

با قزوینی بود که تصحیح انتقادی متون در ایران عصر جدید آغاز شد. او با دقت و کاردانی بسیار تعدادی از متن های قدیمی را به شیوه ای مدرن تصحیح کرد. روش او مبتنی بود بر مقابله دقیق نسخه های قدیمی هر متن و دقت و کوشش و امانت داری فراوان در اینکه سرانجام متنی که به دست خواننده می رسد تا آنجا که ممکن است شبیه متن تألیفی مولف اصلی باشد.

اوج تصحیحات انتقادی قزوینی را می توان در «جهانگشای جوینی» و «مقدمه شاهنامه منثور ابومنصوری» ملاحظه کرد.

چیزی که در این تصحیح و مقابله متون، قزوینی از آن وحشت و ابای تمام داشت، تصحیحات قیاسی و اصطلاحات ذوقی در متن اصلی است و این عمل را در اکثر نوشته های خود نفی می کرد و زشت و ناروایی شمرده. وی در مقدمه دیوان حافظ مصحح خود نوشت:

«این طریقه اخیر خلاف سیرة علما و محققین و خلاف امانت و انصاف است، چه هیچکس حق ندارد که سلیقه و ذوق شخصی خود را برای عموم ناس حکم قرار دهد و طرز فهم و اجتهاد خود را بر دیگران تحمیل نماید و اجتهاد و قضاوت هیچکس مخصوصا در امور ذوقیات برای دیگری صحت نیست و هیچکس جز پاره ای مردم نادان غیر مانوس به طریقه علمی انتقادی این روش را اختیار نکرده است. (مقدمه دیوان حافظ، ص ۶۰).

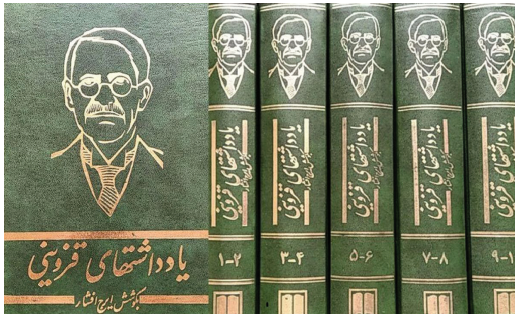
### ◆ کتابخانه قزوینی

علامه قزوینی در مدت اقامت سی و شش ساله خود در اروپا کتابخانه درخوری از کتاب های مربوط به تاریخ و ادب ایران به زبان های فارسی و عربی و زبان های خارجی تهیه کرد که بعد از بازگشت به ایران به خانه خود منتقل کرده بود.

مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی که در مدت اقامت ده ساله قزوینی بعد از بازگشت به ایران، مرتب به خانه قزوینی رفت و آمد داشته و در گفتاری مفصل که در نشریه «بخارا» به چاپ رسیده، شرح کشفی از زندگی و اوضاع خانه و طرز زندگی قزوینی ارائه داده، از وضع کتابخانه وی که در یکی از اتاق های خانه بدون جاگرفتن در قفسه و اشکاف ولو بوده، به طوری که فقط خود قزوینی می توانسته کتاب مورد نظر خود را به (طرفه العینی) پیدا کند. (رک: مهدوی دامغانی، حاصل اوقات، ص ۸۰۳-۸۶۰) قزوینی در یک وصیت نامه که به تاریخ ۱۳۲۶/۸/۴ نوشته، در مورد وضعیت و ارزش کتابخانه خود یاد آور شده:

«سادسا» قریب سه هزار جلد کتاب نیز دارم از هر نوع چاپی و خطی و بزرگ و کوچک که به هیچ وجه من الوجوه فعلا (نمی توانم قیمت آنها را که در عرض چهل سال تمام مندرجا خریدم تعیین کنم و قیمت خرید غالب آنها در پشت آنها نوشته شده است. ولی آن قیمت ها از سی چهار سال قبل تاکنون واضح است که اغلب تاده مقابل هم ترقی کرده است و به همان نسبت هم پول هایی از فرانک و قران که در زمان ها با آن پول ها آن کتاب خریداری شده پایین آمده است. تعیین قیمت تقریبی آن کتب جز به تقویم چند نفر آدم مطلع کتاب شناس اهل خبره ممکن نیست. (نامه های پاریس، از محمد قزوینی به سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، نشر قطره، تهران ۱۳۹۴، ص ۳۵۰)

زنده یاد مجتبی مینوی درباره کتابخانه، قزوینی در گفتاری نوشته: «کتابخانه شخصی قزوینی کجی بود از کتب بسیار خوب و مفید و



مهم و معتبر مربوط به کلیه فنون و علوم و معارف مشرق زمین که به فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی و آلمانی تألیف شده است و من گمان نمی کنم در جزو کتابخانه های شخصی که در دنیا موجود است، کتابخانه ای در این رشته به خصوص باشد که به این جامعی باشد، (مینوی، نقد حال، ص ۴۵۴).

مجتبی مینوی همچنین در آن گفتار پیشنهاد کرده بود که کتابخانه قزوینی از خانواده اش خریداری شود تا آن مجموعه ضمن نگاهداری مناسب برای پژوهشگران آینده مفید فایده شود. از این نظر مینوی نوشت.

«کتابخانه بی نظیر آن مرحوم را باید برای ملت خرید و نگذاشت که آن کتب متفرق شود، زیرا که چنین مجموعه ای در ایران منحصر به فرد است، و در باقی دنیا هم فقط در کتابخانه های بزرگ ممالک معظم که شاید از شش تا تجاوز نکنند چنین مجموعه ای موجود است، مع هذا چند صد کتاب ممکن است در کتابخانه مرحوم قزوینی باشد که حتی در آن کتابخانه های بزرگ هم نیست. از همه اینها گذشته شاید در کتابخانه آن مرحوم یک جلد کتاب نتوان یافت که آن را خود قزوینی نخوانده باشد و در هاشم صفحات آن تعلیقی و تحقیقی نوشته باشد، و تمام این یادداشت ها که حاصل علم و اطلاع بی نظیر و نتیجه سال ها تحقیق و تتبع است باید در جایی گذاشته شود که عامه اهل تحقیق به آنها رجوع کنند و از آنها مستفید شوند.» (نقد حال، ص ۴۵۶).

باری پیشنهاد زنده یاد مینوی مورد قبول واقع شد و دانشگاه تهران کتاب های او را خریداری کرد و اینک کتاب های مرحوم قزوینی در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگاهداری می شود.

### ◆ آثار قزوینی

با اینکه وسعت و عمق اطلاعات علامه قزوینی بیش از اندازه اقران و معاصران او بود، اما مجموعه تألیفات و مقالات او کمتر از دانسته های عمیق او می باشد، و این مطلب چندان مسئله غامضی نیست، چرا که او بیش از هر چیز به سلامت سخن و برد آن نزد همگان می اندیشید و بخاطر وسواسی که در بیان حقیقت مطلب داشت برای هر موضوعی ساعت ها وقت می گذاشت تا تمام جوانب موضوع را ادراک کرده باشد. به طوری که هیچگونه نقد و نظر انتقادی از جانب خردگیران متوجه صاحب سخن نشود.

این وسواس به حدی بود که بنا به روایت دوست دیرینه او «سید حسن تقی زاده» برای پیدا کردن سراینده بیتی عربی در کتاب «تاریخ جهانگشای جوینی» بیش از ۵ سال انتشار جلد سوم آن کتاب را به تعویق انداخت، تا حدی که داد و فغان ناشر کتاب (موسسه اوقاف گیب) رادر آورده بود.

زنده یاد ایرج افشار در مورد این ویژگی قزوینی در دقت علمی می نویسد: «اما بزرگی و نامداری قزوینی تنها به دانش و اطلاعات عالمانه او در رشته های تاریخ و ادب اسلامی نبود بلکه صفت برجسته وی وجود «روح علمی» در آن بیکر پر جوش و پر توش بود که وی راهمواره به اندیشیدن درست و ژرف نگر رهبری کرد و نگذاشت که کاری را آسان و خرد بگیرد. به پایمردی چنین روحیه ای



محمد قزوینی نشسته در کنار بانوزا و سوزان خانم

بود که از شتاب می گریخت و در برتری گذاردن نکته ای بر نکته دیگر از انصاف به دور نمی ماند. (یادبود دهمین سال مرگ محمد قزوینی، مجله دانشکده ادبیات، سال ۶، شماره ۲، ۱۳۳۷).

دکتر علی اکبر سیاسی نیز درباره این خصیصه قزوینی می نویسد: «قزوینی در کنار این صفات و خصوصیات، از خصیصه برجسته دیگری که «امانت علمی» باشد، به صورتی برخوردار بوده است که تا از موضوعی اطلاعی قطعی و نزدیک به حق یقین حاصل نمی کرد، به هیچ وجه آن را نمی پذیرفته و به طالبان علم و دانش پژوهان عرضه نمی داشته است.» (در ماتم علامه، فقیر محمد قزوینی، علامه قزوینی، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۸).

آثار قزوینی که توسط او یا با همکاری عباس اقبال و دکتر قاسم غنی به چاپ رسیده و اکثر اشامل تصحیح نسخ خطی است و عبارتند از: ۱- مرزبان نامه، تألیف مرزبان بن شبروین، اصلاح سعدالدین وراوینی، ۱۳۲۷ قمری، لیدن بریل (تجدید چاپ تهران، کتابخانه تهران، ۱۳۱۷).

۲- المعجم فی معایر اشعار العجم، تألیف شمس قیس رازی به اهتمام ادوارد براون، بیروت مطبعه کاتولیکی، تجدید چاپ به همت محمد تقی مدرس رضوی، تهران، کتابخانه خاور ۱۳۱۴).

۳- چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، لیدن، اوقاف گیب، بریل، ۱۳۲۷ قمری.

۴- تاریخ جهانگشای جوینی، جلد اول، با مقدمه و حواشی و فهارس لیدن، بریل، ۱۳۳۹ قمری.

۵- تاریخ جهانگشای جوینی، جلد دوم، با مقدمه و حواشی و فهارس، لیدن، بریل، ۱۳۳۴ قمری.

۶- تاریخ جهانگشای جوینی، جلد سوم، با مقدمه و حواشی و فهارس، بریل، ۱۳۵۵ قمری.

۷- لباب الالباب، محمد عوفی، جلد اول. (جلد دوم آن توسط پروفیسور ادوارد براون تصحیح و نشر شده است).

۸- عتبه الکتبه، با مشارکت عباس اقبال، چاپ تهران ۱۳۲۹ خ

۹- سمط العلی للحضرة العلیا (با مشارکت عباس اقبال)

۱۰- دیوان حافظ با همکاری دکتر قاسم غنی، تهران، زوار، ۱۳۲۰ خ

۱۱- سیاست نامه، تألیف خواجه نظام الملک طوسی، با حواشی و یادداشت ها و تصحیح محمد قزوینی، با تصحیح مجدد و تعلیقات و مقدمه مرتضی مدرس چهاردهی، تهران، زوار.

۱۲- شد الازار فی حط الاوراد لمن زوار المزار، به تصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸ خ

ب- رسالاتی که توسط قزوینی تألیف شده است:

۱- رساله ای درباره لویج جامی، به زبان فرانسه (وین فیلد آن را به انگلیسی ترجمه کرده است).

۲- مقدمه ای بر کتاب های نقطه الکاف، تذکره الاولیا (تألیف براون) و تاریخ عصر حافظ (تألیف دکتر قاسم غنی).

۳- رساله در شرح حال مسعود سعد سلمان که فقط ترجمه انگلیسی آن توسط ادوارد براون انجام شده است.

۴- رساله در شرح حال ابوالفتوح رازی که در پایان جلد پنجم تفسیر او (چاپ تهران) درج شده است.

۵- مقاله انتقادی و تاریخی درباره نغفه المصدر که توسط عباس اقبال در سال ۱۳۰۸ خورشیدی چاپ شده است.

۶- رساله در احوال ابوسلیمان منطقی که توسط انجمن تبعات ایرانی در پاریس چاپ شده است.

۷- کتاب و فیات المعاصرین که به صورت پاورقی در مجله یادگار درج می شد و به انجام نرسید.

۸- رساله ممدوحین سعدی و شرح احوال آنان که در سال ۱۳۱۷ خ در تهران انتشار یافت.

ج- کتاب های قزوینی که توسط استادان دیگر به چاپ رسیده است:

۱- بیست مقاله قزوینی، جلد اول، به کوشش ابراهیم پورداود، انجمن زرتشتیان ایرانی، بمبئی ۱۳۰۷ خ (تجدید چاپ، تهران، ابن سینا ۱۳۳۲ خ).

۲- بیست مقاله قزوینی، جلد دوم، به کوشش عباس اقبال، تهران ۱۳۱۳ (تجدید چاپ، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۲ خ).

۳- نامه های قزوینی به تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۵۳ خ. (تجدید چاپ با عنوان: نامه های پاریس، از محمد قزوینی به سید حسن تقی زاده، با اضافات، به کوشش ایرج افشار، نشر قطره، تهران ۱۳۸۴).

۴- یادداشت های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، ۱۰ جلد، دانشگاه تهران، ۱۳۳۲-۱۳۵۴ خ.

۵- مقالات قزوینی، گردآورنده عبدالکریم جریزه دار ۴ جلد نشر